

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Scientific

علمی

بازتاب توسط: لاله - هوادار سازمان انقلابی افغانستان

۰۸ نومبر ۲۰۱۱

صورت بندی اجتماعی نیمه - فیودالی

صورت بندی اجتماعی (فورماسیون) نیمه فیودالی، فورماسیون خاصی است که در اثر تهاجم سرمایه امپریالیستی و به طور کلی امپریالیسم به کشور های مستعمره، نیمه فیودالی و وابسته که قبل از نفوذ امپریالیسم، شیوه تولید فیودالی بر آنها حاکم بود، شکل می گیرد.

ساخت اقتصادی فورماسیون نیمه فیودالی یک ساخت اقتصادی مرکب و پیچیده است. در این ساخت مرکب عمدتاً دو نوع مناسبات تولیدی در کنار هم وجود دارند. مناسبات تولیدی نوع سرمایه داری (تضاد کار با سرمایه کمپرادور و بوروکراتیک) و مناسبات تولیدی فیودالی (تضاد بخش کثیر و عمده دهقانان - دهقانان فقیر و میانه حال و پرولتاریای ده یا مالکان ارضی فیودال)

یکی از ویژگی های اساسی جامعه نیمه فیودالی در این است که هجوم سرمایه های امپریالیستی باعث ایجاد تغییرات و تحولاتی در ساخت اقتصاد فیودالی کشور می گردد. مائوتسه دون عملکرد امپریالیسم را در مورد جامعه فیودالی کهن چین، در زمینه ایجاد تغییر و تحول در ساخت اقتصادی سنتی، چنین توضیح می دهد:

"جامعه فیودالی چین تقریباً سه هزار سال دوام داشت. تنها از اواسط قرن نوزدهم بود که در نتیجه هجوم سرمایه داری خارجی در این جامعه، تغییرات شگرفی به وجود آمد. چون در اقتصاد کالائی که در بطن جامعه فیودالی چین رشد یافته بود نخستین نطفه های سرمایه داری به وجود آمده بود، چین حتی بدون نفوذ سرمایه داری خارجی نیز می توانست رفته رفته به یک جامعه سرمایه داری تکامل یابد. هجوم سرمایه داری خارجی این جریان را تسریع کرد. سرمایه داری خارجی نقشی بزرگ در متلاشی کردن اقتصاد اجتماعی چین ایفاء کرد. از یک طرف اساس اقتصاد طبیعی خود کفایتی چین را ویران کرد، صنایع دستی را در شهر ها و پیشه وری خانگی دهقانان را تخریب نمود و از طرف دیگر موجب تسریع رشد اقتصاد کالائی در شهر و روستا گردید. این جریانات به جز آنکه تأثیر متلاشی کننده ای در اساس اقتصاد فیودالی چین داشت، شرایط و امکانات عینی معینی نیز برای رشد تولید سرمایه داری

چین فراهم آورد. با ویران شدن اقتصاد طبیعی، بازاری جهت فروش کالا برای سرمایه داری به وجود آمد و در عین حال با خانه خرابی توده های عظیم دهقانان و پیشه وران نیز بازار نیروی کار برای سرمایه داری پیدا شد.^۱ در جامعه نیمه فیودالی، علی رغم تغییراتی که هجوم سرمایه های امپریالیستی در سطح اقتصاد سنتی به وجود می آورند، معهذاً به علت تبانی امپریالیسم با فیودال ها، مناسبات استثماری فیودالی در اقتصاد روستا محفوظ باقی می ماند. در اقتصاد روستائی جامعه نیمه فیودالی، مناسبات تولیدی حاکم همچنان مناسبات فیودالی است و تضاد اساسی، تضاد بین دهقانان با مالکان ارضی فیودال است. مائوتسه دون در مورد جامعه نیمه فیودالی چین می گوید:

"اساس اقتصاد خود کفایتی دوران فیودالی ویران شده است ولی نظام استثمار فیودالی، استثمار دهقانان به وسیله مالکان ارضی دست نخورده باقی است."^۲

"طبقه حاکم فیودال – مالکان ارضی (...) صاحب قسمت اعظم اراضی بودند در حالی که دهقانان یا خیلی کم زمین داشتند و یا به کلی زمین نداشتند. دهقانان با وسایل خود در مزارع مالکان ارضی و اشراف (...) کار می کردند و مجبور بودند ۴۰، ۵۰، ۶۰، ۷۰ و گاهی ۸۰ فیصد محصول و حتی بیشتر از آن را به آنها بدهند که صرف لذاذ خصوصی شان می شد (...) دهقانان در بند فیودالیسم گرفتار بودند و آزادی شخصی نداشتند. مالک ارضی حق داشت هر وقت بخواهد به دهقانان دشنام بدهد، آنها را بزند و حتی بکشد و دهقانان از هر گونه حقوق سیاسی محروم بودند."^۳

بدین ترتیب، در جامعه فیودالی، اساس شیوه تولید فیودالی که مبتنی بر مناسبات خاصی است (یعنی اخذ مازاد کار تولید کننده مستقیم به وسیله مالک ارضی فیودال از طریق اجبارات غیر اقتصادی) محفوظ باقی ماند. معهذاً در این فورماسیون تغییر و تحولات مهمی در زمینه های تقسیم تولید اجتماعی (جدا شدن صنعت از زراعت و از میان رفتن تدریجی صنعت خانگی روستائی) و توسعه تولید کالائی پدید آمد. اقتصاد خود کفایتی متلاشی می گردد، در سطح دهقانان، قشر بندی به دهقانان مرفه، میانه حال و فقیر پدید می آید و پرولتاریای ده نیز پا به عرصه وجود می گذارد.

عده ای از فیودال ها تحت ترغیب سرمایه داری خارجی و در نتیجه شکاف هائی که در اقتصاد فیودالی به وجود آمده است، به سرمایه گذاری در خدمت امپریالیسم می پردازند و به فیودال – کمپرادور تبدیل می شوند. یکی دیگر از ویژگی های فورماسیون نیمه فیودالی، وجود مناسبات تولیدی سرمایه داری / کمپرادوری است. هجوم سرمایه های امپریالیستی، بخش هائی از اقتصاد کشور را تحت کنترل و تسلط خود در می آورد و استثمار نیروی کار، غارت و چپاول منابع و ثروت های ملی و انسداد رشد آزاد سرمایه های داخلی (سرمایه ملی) را سبب می گردد. در بخش های تحت سلطه سرمایه امپریالیستی، مناسبات تولیدی استثماری سرمایه داری، یعنی تضاد کار با سرمایه امپریالیستی – کمپرادور حاکم است. اما هجوم امپریالیسم و سرمایه های آن از جانب دیگر مانع رشد سرمایه داری آزاد در جامعه می گردد، به طوری که مناسبات تولیدی سرمایه داری (سرمایه داری آزاد) قادر نمی شوند موضع مسلط را (به این مفهوم که قانونمندی خود را در سطح کل اقتصاد حاکم نمایند) در سطح کل جامعه

^۱ - مائوتسه دون: "انقلاب چین و حزب کمونیست چین"

^۲ - مائوتسه دون: "انقلاب چین و حزب کمونیست چین"

^۳ - مائوتسه دون: "انقلاب چین و حزب کمونیست چین"

اشغال نمایند و همانطور که مائوتسه دون تصریح می کند: "سرمایه داری به شکل اساسی اجتماعی - اقتصادی مبدل نمی شود."⁴

در جامعه نیمه مستعمره - نیمه فیودالی، این سرمایه داری ملی نیست که رشد می کند، بلکه امپریالیسم خارجی است که سرمایه خود را در آن جامعه رشد می دهد.

بدین ترتیب، در فورمسیون نیمه مستعمره، نیمه فیودالی، دو نوع مناسبات تولیدی موجود است. یکی مناسبات تولیدی سرمایه داری است که عمدتاً در نتیجه نفوذ و تهاجم سرمایه امپریالیستی در بخش های معینی از اقتصاد استقرار می یابد. این مناسبات، به علت ماهیت و خصلت ذاتی سرمایه ای که حامل آن است (سرمایه مالی امپریالیستی) از یکطرف مانع رشد و تسلط سرمایه داری آزاد ملی و رشد نیرو های مؤلده می شود و از طرف دیگر، مناسبات تولیدی استثمار فیودالی را از بین نبرده، بلکه آنها را حفظ می کند و مالکان ارضی فیودالی را "پایه اصلی اجتماعی" و "تکیه گاه" خود می سازد. دیگری مناسبات تولیدی فیودالی است که به صورت تضاد میان دهقانان با مالکان ارضی فیودال تجلی می یابد.

مجموعه دو نوع تضاد اساسی، یعنی تضاد خلق با سرمایه کمپرادور / بوروکراتیک و تضاد دهقانان با فیودالیسم و ترکیب آنها تضاد عمده جامعه نیمه فیودالی را تشکیل می دهند که عبارت است از تضاد میان توده های خلق از طرفی و ارتجاع (فیودال کمپرادور ها - بوروکراتیک ها) و امپریالیسم، از طرف دیگر.

بر گرفته از کتاب مبانی و مفاهیم مارکسیسم

⁴ - مائوتسه دون: "انقلاب چین و حزب کمونیست چین"